



رویکرد جنایی به مدیریت سود و کیفیت سود

حجت‌اله فرزانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی

رضا غلامی حسین آباد

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی

از نظر گذراندن مدیریت سود از منظر جنایی پرتوی جدیدی بر تحقیقات مدیریت سود و ارتباط نزدیکش با کیفیت سود می‌افکند. کارهای بال و شیواکیومار (۲۰۰۸) و تنو و همکاران (۱۹۹۸) و بسیاری تحقیقات دیگر در تشریح کاربرد هفت بخش بازرسی جنایی برای تحقیقات مدیریت سود مورد استفاده واقع شده‌اند. تحقیقات مدیریت سود تقریباً برای دو دهه در حال رشد هستند. موضوعات بسیاری را در بر گرفته‌اند اما سؤالات بسیاری همچنان بی‌پاسخ مانده است. به نظر می‌رسد که اتخاذ چشم‌اندازی متفاوت اما تکمیل‌کننده از منظر یک بازررس صحنه جرم، اغلب می‌تواند دیدگاه‌های جالبی درباره‌ی موضوع فراهم کند و به اطلاع‌رسانی طرح‌های تحقیق کمک کند.

مقدمه

در میان تحقیقات حوزه‌ی حسابداری و مالی شاید هیچکدام جذاب‌تر از مدیریت سود نباشد، چرا که این موضوع دارای ظرفیت بالقوه خطاکاری، شرارت، ناسازگاری و تناقض است. همانطور که هیللی و والن (۱۹۹۹) و شیپیر (۱۹۸۹) تعریف می‌کنند: "مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت در

قانونگذاران، سرمایه‌گذاران و محققان ممکن است هنگام یافتن خطاکاری و حل معما آن را متقلبانه (جرم) تلقی کنند.^۲

اگر مدیریت سود را به عنوان یک فعالیت متقلبانه در نظر گرفته شود می‌توان به کشف آن مانند معمای قتل شرلوک هلمز یا بازرسی صحنه جرم، فکر کرد. این گونه بازرسی شامل هفت

شواهد مشاهده شده نادرست می‌باشد. در این مقاله مقدمه با مثال‌های عنوان شده در تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۸) و تئو و همکاران (۱۹۹۸) شروع می‌شود.

مدیریت سود وجوه اشتراک بسیاری با کیفیت سود دارد. به طوری که، مدیریت سود بالاتر، کیفیت سود کمتری را در بر دارد. هر چند عدم مدیریت سود (مدیریت سود کم) به معنای تضمین کیفیت بالای سود (یا به‌طور کلی کیفیت بالای ارقام حسابداری) نمی‌باشد؛ زیرا سایر عوامل در کیفیت سود شرکت دخیل است، برای مثال حسابداران به طور سخت‌گیرانه‌ای از یک سری استانداردهای ضعیف که گزارش‌های مالی با کیفیت پایین را منجر می‌شود، پیروی می‌کنند. به هر حال اگر سایر عوامل شرکت‌کننده را ثابت فرض کنیم سپس می‌توانیم ارتباط نزدیکتری بین مدیریت سود و کیفیت سود رسم کنیم. تفسیرهای متفاوتی از کیفیت سود وجود دارد در مباحث زیر تفسیر مطابق تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۸) است به این گونه که، سود با کیفیت بالا محافظه‌کارانه است و سود با کیفیت پایین نشان‌دهنده سود مدیریت شده افزایش‌دهنده است.^۳

آیا مدیریت سود اتفاق افتاده است؟

کار اساسی بازرسی صحنه‌ی جرم تعیین این است که آیا یک جرم اتفاق افتاده است یا نه، برخی علت‌های طبیعی منجر به ایجاد صحنه شده است. آیا مرگ به خاطر قتل، خودکشی یا برحسب تصادف بوده است؟ تعیین این موارد اغلب دشوار است و همچنین در تحقیقات حسابداری کم نیست. همانگونه که هیللی و والن (۱۹۹۹) توضیح دادند "به‌رغم درک کلی که مدیریت سود وجود دارد، بسیار برای محققان دشوار

عنصر به شرح زیر می‌باشد: آیا جرم اتفاق افتاده است، به متصدی مضمون شدن، سلاح‌های به کار برده شده، قربانیان جرم، انگیزه‌های انجام جرم، فرصت انجام عمل و توضیحات جایگزین. توضیحات جایگزین^۲ به رویداد غیر از فعالیت متقلبانه برمی‌گردد و بنابراین نتیجه‌گیری به تقلب براساس

گزارشگری مالی استفاده کنند و معاملات را طوری ترتیب دهند که گزارش‌های مالی موجب همراهی برخی افراد ذی‌نفع از عملکرد اقتصادی شرکت شود یا نتایج توافقات مبتنی بر ارقام حسابداری تحت تاثیر قرار گیرد." به عبارت ساده، شخصی کاری را انجام می‌دهد که به شخص دیگر ضرر می‌زند.^۱ حساب‌رسان،



است که آن را مستند کنند. این مشکل ابتدا به دلیل تشخیص این است که آیا سودها مدیریت شده‌اند، محققان ابتدا باید سودها را قبل از تاثیر مدیریت سود برآورد کنند^۱ به عبارت دیگر محققان نیاز دارند که آن بخش از سودها را که از عوامل طبیعی ناشی شده است، از آن بخش که از فعالیت‌های مدیریت سود ناشی شده است، تفکیک کنند.

طرح تحقیق مطالعات گذشته بر روی مدیریت سود و کیفیت سود به طور کلی به سه طبقه تقسیم می‌شود:

- ۱- سری‌های زمانی ۲- مقطعی^۲
- ۳- مقطعی بین‌المللی^۳ تحقیق تنو و همکاران (۱۹۹۸) رویکرد سری زمانی است به طوری که از صورت‌های مالی در اطلاعیه‌ی قبل از عرضه‌ی اولیه‌ی سهام به عنوان مبنای مقایسه با ارقام سال عرضه‌ی اولیه‌ی سهام استفاده کرد. در میان مطالعات فراوانی که از رویکرد مقطعی استفاده کرده‌اند تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۵) است که صورت‌های مالی شرکت‌های خصوصی و عمومی انگلیس را مقایسه کرده است و همچنین ابراهیمی و حسنی آذر (۱۳۸۵) با بررسی ۳۰ شرکت عرضه‌کننده‌ی اولیه‌ی سهام در بین سال‌های ۷۸ تا ۸۰ نشان دادند که مدیران، سود شرکت‌ها را در سال قبل از عرضه اولیه و سال عرضه اولیه سهام به عموم، مدیریت می‌کنند (ابراهیمی و حسنی آذر، ۱۳۸۵). رویکرد مقطعی بین‌المللی یک تغییر از رویکرد مقطعی است که تفاوت‌های بین‌المللی در موسسات را استخراج می‌کند. در تمام این مطالعات، مبنای کامل نیست و اندازه‌گیری کردن مدیریت سود و کیفیت سود به طور متوالی پرسروصدا است (کین لو ۲۰۰۸).

بال و شیواکومار (۲۰۰۸) روشی یافتند که بر سختی عملی کشف مدیریت سود که هیلی و والن (۱۹۹۹) توضیح

داده‌اند فائق آمد. با بررسی نمونه‌ای شرکت‌های انجام‌دهنده‌ی عرضه اولیه‌ی سهام در انگلستان، مدیریت سود می‌تواند به وضوح کشف شود زیرا دو مجموعه صورت‌های مالی وجود دارد. مجموعه‌ی اول (که آن را صورت‌های مالی سایه می‌نامیم) صورت‌های مالی قبل از عرضه‌ی اولیه‌ی سهام است و مجموعه‌ی دوم صورت‌های مالی

سود ارایه می‌دهد پس امکان دارد هر فعالیت مدیریت سودی را با دقت بالایی با استفاده از تفاوت‌های دو مجموعه صورت‌های مالی استنباط کرد (بال و شیواکومار، ۲۰۰۸).

تمرکز هیلی و والن بر مشکل فنی کشف مدیریت سود مذکور مبتنی بر چشم‌انداز عملی است. به طور کلی، انتظار کسانی که سود را مدیریت



می‌کنند این است که کشف آن ساده نباشد. هر چه تجربه‌ی مدیر بالاتر باشد احتمال این‌که درگیر مدیریت سودی شود که به‌سادگی کشف شود کمتر است و دست‌کاری استادانه‌تری برای گریز از کشف برنامه‌ریزی خواهد شد.^۴ آن‌ها درگیر مدیریت سود پرسروصدا نمی‌شوند، اگر آن‌ها این کار را انجام

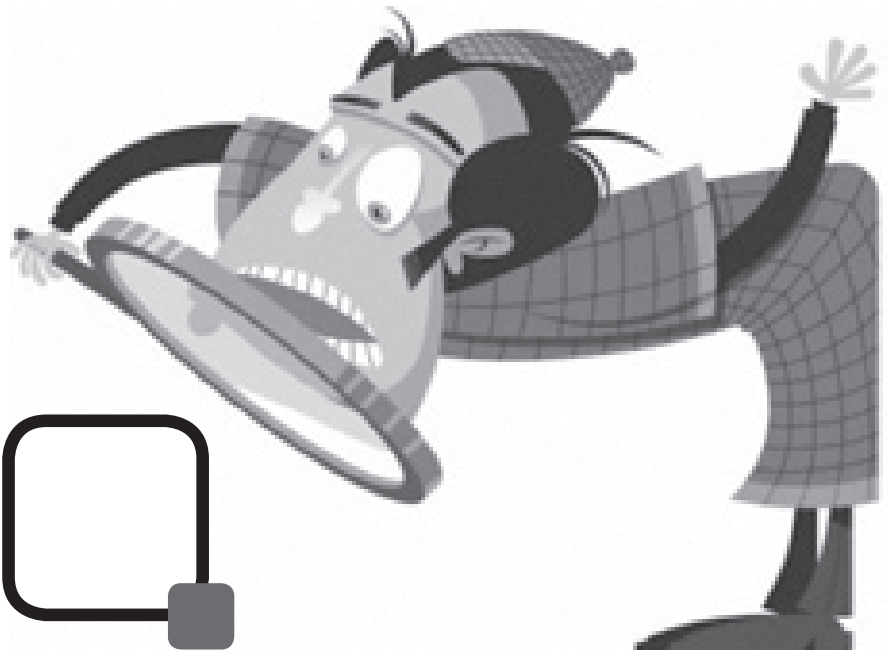
موجود در اطلاعیه‌ی عرضه‌ی اولیه‌ی سهام است. فرض این که صورت‌های مالی سایه‌عاری از مدیریت سود هستند، منطقی است در مقایسه با صورت‌های موجود در اطلاعیه که حاوی انگیزه‌های جذاب به وسیله‌ی عرضه‌ی اولیه‌ی سهام می‌باشد. بنابراین صورت‌های مالی سایه مبنای خوبی برای عدم مدیریت

دهند انتظار نمی‌رود به راحتی کشف شود. این غیرعقلایی است که انتظار داشته باشیم که سرمایه‌گذاران، مشاوران و قانون‌گذاران به تفاوت‌های عمده در گزارش‌های مالی توجه نکنند (کین لو، ۲۰۰۸).

بر اساس این بحث، تعجب‌انگیز نیست که بال و شیواکومار (۲۰۰۸) مدیریت سود معنی‌داری نیافتند. آن‌ها دریافتند که تنها تفاوت‌های معنی‌دار در صورت‌های مالی مربوط به دارایی‌های نامشهود است که چنین داده‌هایی برای خوانندگان به وضوح

به صورت مستقیم مقایسه شوند. البته از تمام شرکت‌هایی که میزان جزییات را افزایش یا کاهش داده‌اند یا طبقه‌بندی اقلام را تغییر داده‌اند، صرف‌نظر شده است که بخش عمده‌ای از شرکت‌های جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر مقایسه سخت‌تر شود فرصت مدیریت کردن حساب‌ها با احتمال کشف کم‌تر به وجود خواهد آمد. شاید مدیریت به طور عمده برای پنهان کردن مدیریت سود، صورت‌های مالی موجود در عرضه‌ی اولیه‌ی سهام را غیرقابل مقایسه با صورت‌های مالی سایه کرده باشند

مهم‌ترین قسمت این معما است. هر چند در تحقیقات حسابداری سؤال چه کسی یک سؤال کشف نشده است. بازرس صحنه‌ی جرم تلاش می‌کند که هویت متهم را تعیین کند در صورتی که تحقیقات دانشگاهی به تشخیص شخص یا شرکت مدیریت‌کننده سود توجه کم‌تری می‌کند؛ در حالی که به یافتن انگیزه‌های انجام مدیریت سود بیشتر علاقه‌مند است. در این زمینه تحقیقات اندکی صورت گرفته است و سؤالات فراوانی همچون این موارد وجود دارد (کین لو، ۲۰۰۸): اثرات آموزش بر میل باطنی مدیریت سود چیست؟ آیا نظام‌های حسابداری متفاوت، به فضاوت‌های متفاوت مدیران در نتیجه‌ی مدیریت سود متفاوت نیاز دارد؟ آیا تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی مدیران نقشی دارد؟



سود با چه روش‌هایی مدیریت می‌شوند؟

محققان مدیریت سود را به دو طبقه‌ی گسترده طبقه‌بندی کرده‌اند: مدیریت سود واقعی (برای مثال تحت تاثیر قرار دادن جریان‌های نقدی) و مدیریت اقلام تعهدی به واسطه‌ی تغییرات در برآورد و رویه‌های حسابداری. همچنین آنها بیان داشتند که مخارج مدیریت سود برای این روش‌ها متفاوت است به طوری که برای شرکت مدیریت سود واقعی پرهزینه‌تر در نظر گرفته شده است (رویچودهری، ۲۰۰۶). اما نتایج تحقیقات گراهام و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌دارد که مدیران خواهان مدیریت سود واقعی هستند تا مدیریت اقلام تعهدی. به طوری که ۸۰ درصد مخارج اختیاری را کاهش می‌دهند، ۵۵ درصد پروژه‌ها را به تاخیر می‌اندازند در حالی که تنها ۲۸ درصد از مدیران ذخیره در نظر می‌گیرند و ۸ درصد از

(بال و شیواکومار، ۲۰۰۸). تعمیم نتایج این تحقیق به سایر رویدادها غیرمنطقی به نظر می‌رسد. کشف مدیریت سود در ایران و برخی کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده مشکل‌تر است به این دلیل که قابلیت دسترسی عمومی به صورت‌های مالی قبل از عرضه‌ی اولیه‌ی سهام برای مقایسه، وجود ندارد.

چه کسی مسئول مدیریت سود است؟

در معمای قتل، سوال چه کسی،

قابل تشخیص است.

شاید ادعای کشف مدیریت سود با استفاده از عرضه‌ی اولیه‌ی سهام در انگلیس برآورد بیش از اندازه باشد، این ادعا باید مشروط به مراجعه به نمونه‌ی مورد مطالعه در تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۸) باشد که شامل شرکت‌هایی است که صورت‌های مالی برای عرضه‌ی اولیه سهام قابل مقایسه با صورت‌های مالی سایه دارند. به عبارت دیگر، نمونه‌ی تحقیق شامل شرکت‌هایی است که اقلام خطی صورت‌های مالی می‌تواند

مدیران مفروضات حسابداری را تغییر می‌دهند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین شواهد حاصل از تحقیق تناقضی با مخارج بالای مدیریت سود واقعی را اظهار می‌کند.

مدیران خواهان مدیریت سود واقعی هستند که برای موسسه پرهزینه است، زیرا این چنین فعالیت‌هایی به راحتی کشف نمی‌شوند. در مقابل، مدیریت ارقام تعهدی و دیگر دست‌کاری‌های حسابداری وجود دارد که در ارتباط با رسیدگی حساب‌رسیان و به طور بالقوه بازرسان قانونی و دادگاه است که مبنایشان استانداردهای حسابداری است. شواهد رضایت مدیران به انجام مدیریت سود واقعی بیش‌تر اثر نتایج تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۸) را کاهش می‌دهد. در بررسی شرکت‌های با عرضه‌ی اولیه، تنها مدیریت ارقام تعهدی می‌تواند تعیین شود و مدیریت سود واقعی از تجزیه و تحلیل مستثنی است زیرا مبنای ارائه شده به وسیله‌ی صورت‌های مالی سایه نیز شامل مبالغ مدیریت سود واقعی شده (اگر وجود داشته باشد) می‌شود.

قربانیان مدیریت سود، چه کسانی هستند؟

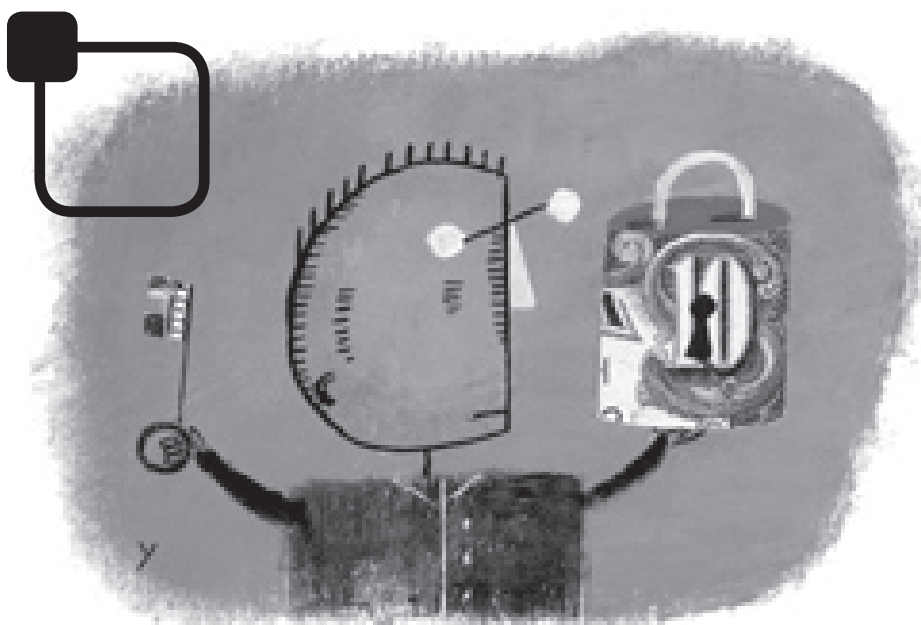
البته قربانیان بالقوه‌ی مدیریت سود، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی هستند؛ هر چند، این موضوع که آیا استفاده‌کنندگان، قربانی این حرکت می‌شوند، جای سؤال و پژوهش دارد. این استفاده‌کنندگان، شامل سهام‌داران، سرمایه‌گذاران در اوراق قرضه، بانک‌داران، قانون‌گذاران، اتحادیه‌ها، عرضه‌کنندگان، مشتریان و رقبا هستند (کین لو، ۲۰۰۸).

در زمینه‌ی عرضه‌ی اولیه‌ی سهام، روشن است قربانیان بالقوه، سرمایه‌گذارانی هستند که خالص دارایی‌های شرکت‌ها را خریداری می‌کنند. سؤال این است

که آیا سرمایه‌گذاران، به خاطر مدیریت سود، برای سهام، بیش از ارزش آن می‌پردازند؟ تئو و همکاران (۱۹۹۸)، این موضوع را بررسی کردند و دریافتند که سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های با مدیریت سود بالا، به عملکرد ضعیف در دوره‌های آتی، گرایش دارند (تئو و همکاران، ۱۹۹۸).

پذیرش این نتیجه برای معتقدان به کارایی بازارهای سرمایه، مشکل است. چرا سرمایه‌گذاران، مدیریت سود را پیش‌بینی نمی‌کنند و اطلاعات را کاهش نمی‌دهند تا در نتیجه‌ی آن، قیمت

هستند و قیمت عرضه‌ی اولیه برای سهام پذیره‌نویسی شده، توسط بانک(های) سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود (کین لو، ۲۰۰۸). اگر ابهامی در مورد ارزش سهام وجود داشته باشد (که بدون تردید وجود دارد)، انتقال اطلاعات از قسمت پایین‌تر توزیع، به دلیل فعالیت فروش محدود قبل از روز اول مبادله، محدود شده است. بنابراین، نیازی نیست که عرضه و تقاضا برای سهام عرضه اولیه سهام، متعادل باشند و مدیریت سود برای افزایش ارزش مشاهده شده این سهام، به طور بالقوه، می‌تواند موفق شود.



انگیزه‌های مدیریت سود چیست؟

بازپرس‌های صحنه‌ی جنایی، اغلب سعی می‌کنند، انگیزه‌ای برای ارتکاب جرم پیدا کنند. پیش فرض کلی این است که افراد، جنایت‌ها را برای دلیل خاصی، مرتکب نمی‌شوند. آیا این انگیزه، سود مالی، انتقام‌جویی، حفظ جان و برخی دلایل دیگر است، این انگیزه برای این اتخاذ می‌شود که برخی کاهش در سود یا زیان شخصی را در برمی‌گیرد (کین لو، ۲۰۰۸).

عرضه‌ی اولیه سهام را کاهش دهند؟ یک پاسخ این است که بازار عرضه‌ی اولیه در مورد سهام، مشابه بازار ثانویه عمل نمی‌کند و در نتیجه، درجه‌ی متفاوتی از کارایی را دارد. کارایی نیازمند تعادل خریداران و فروشندگان و قیمتی برای تنظیم این تعادل است. در بازارهای ثانویه، سهام‌داران موجود و کارگزاران فروش استقراضی، توازنی را برای تعداد نامحدود بالقوه‌ی خریداران، فراهم می‌کنند. در بازار عرضه‌ی اولیه‌ی سهام، فروشندگان افراد درونی شرکت



اهمیت انگیزه، در تعریف هیلی و والن^۹ (۱۹۹۹) از مدیریت سود، آشکار است. در واقع این تعریف به یک انگیزه برمی‌گردد: برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان و تحت تأثیر قرار دادن قراردادها. از آنجا که حسابداری به طور ذاتی، ذهنی است، به‌کارگیری قضاوت در مسیری بدون هدف سود شخصی، به عنوان مدیریت سود در نظر گرفته نمی‌شود. هر چند، هم‌راستا با جرم و جنایات هر روزه، موضوع انگیزه‌های مدیریت سود، عمیق‌تر می‌شود. همان‌گونه که در قسمت قبل مطرح شد، بازارهای سرمایه و استفاده‌کنندگان می‌توانند به طور بالقوه، مدیریت سود را پیش‌بینی کنند. بنابراین مدیریت سود می‌تواند یک نتیجه‌ی متعادل (پایدار) داشته باشد که به موجب آن مدیران، سود متورم‌شده گزارش می‌کنند چون گزارش سود متورم شده از آنها مورد انتظار است، یک انگیزه برای مدیریت سود این است که آن انتظارات را برآورده سازد.

رفتار مورد انتظار با چگونگی تعیین فعالیت‌ها به عنوان جرم و جنایت توسط قوانین مرتبط است. به طور کلی، رفتار قابل پیش‌بینی به عنوان رفتاری قانونی قابل پذیرش است. از این رو، تفاوت‌های فرهنگی، نقش عمده‌ای را در تعریف قوانین یک کشور و به طور مشابه، مقدار یا انواع مدیریت سود قابل پذیرش، بازی می‌کنند (کین‌لو، ۲۰۰۸). همان‌گونه که در تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۸) بیان شده است؛ انگیزه‌ی مدیریت سود برای عرضه‌ی اولیه‌ی سهام (متورم ساختن قیمت عرضه‌ی اولیه‌ی سهام به منظور ایجاد منفعت برای افراد درون‌سازمانی به هزینه‌ی تعهدکنندگان عرضه‌ی اولیه‌ی سهام) در دو کشور انگلستان و آمریکا یکسان و مشابه است، (به دلیل تشابه اقتصادی- اجتماعی هر دو کشور) (بال

و شیواکومار، ۲۰۰۸). کم کردن پراکندگی سودهای گزارش شده و هموارسازی آن، افزایش قیمت سهام، نمایش بهتر عملکرد شرکت و کاهش هزینه‌های سیاسی شرکت است (لیبی و سیرت، ۲۰۰۹). وجود رفتارهای مدیران برای مدیریت سود به منظور اثرات مثبت آن بر قیمت سهام شرکت، نشان‌دهنده‌ی این است که به طور منطقی انگیزه‌های قوی‌تر برای بالا بردن قیمت سهام یا جذب سرمایه‌گذاران بیشتر، موجب افزایش مدیریت سود می‌شود. به عنوان نمونه، شریعت پناهی و سمایی (۱۳۸۳) با بررسی ۴۴ شرکت در طی سال‌های ۸۰-۷۷ نشان دادند که بین هموارسازی و در نتیجه مدیریت سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد

و شیواکومار، ۲۰۰۸). ادعاهای مکرری مبنی بر وجود اختلاف بسیار در اصول و استانداردهای مبتنی بر قوانین در انگلستان در مقابل آمریکا وجود دارد. این امکان وجود دارد که حسابداران و استفاده‌کنندگان در انگلستان میزان متفاوتی از مدیریت سود را در مقایسه با آمریکا، انتظار داشته باشند. به بیان دیگر، معادله‌ی یکسانی برای مدیریت سود وجود ندارد؛ درجه‌ی انگیزه و وسعت مدیریت سود به رفتاری بستگی دارد که در هر محیط، مورد انتظار است (کین‌لو، ۲۰۰۸).

تا کنون، انگیزه‌های آزمون‌شده شامل فشارهای بازار سرمایه، مسائل مربوط به شهرت شخصی^{۱۰}، صرفه‌جویی مالیاتی^{۱۱}، قراردادهای پاداش و جبران خدمات^{۱۲}،

و شرکت‌هایی که هموارسازی سود را انجام می‌دهند به طور میانگین بازده غیرعادی بیش‌تری دارند (شریعت پناهی و سمایی، ۱۳۸۳).

سایر انگیزه‌های مدیریت سود که در تحقیقات مورد توجه قرار گرفته‌اند، شامل صرفه‌جویی‌های بالقوه‌ی مالیاتی و قراردادهای پاداش و جبران خدمات مدیران است. نوروش و همکاران (۱۳۸۴) با بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۸۲-۷۵ نشان دادند که مدیریت سود در این شرکت‌ها اعمال می‌شود و مدیران شرکت‌های بزرگ از اقلام تعهدی برای به حداقل رساندن مالیات شرکت‌های خود استفاده می‌کنند به عبارت دیگر، انگیزه‌ی مدیریت سود در این تحقیق صرفه‌جویی مالیاتی می‌تواند باشد و همچنین زیاد بودن بدهی شرکت، تمایل مدیران برای مدیریت سود را بیشتر می‌کند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

آیا تنها یک فرصت برای مدیریت سود، وجود داشت؟

البته این که یک جرم رخ می‌دهد، بستگی به این دارد که آیا فرصتی برای وقوع آن وجود دارد. فرصت می‌تواند احساس عمومی یا خاص یک شخص، در نظر گرفته شود. این بخش، با فرصت عمومی سروکار دارد، در حالی که بخش بعدی، فرصت خاص را مورد توجه قرار می‌دهد (به عنوان مثال، تفاسیر جایگزین برای وضعیت خاص).

فرض کنید، شما به مکانی که هیچ اطلاعاتی در مورد آن ندارید، منتقل شوید و اولین چیزی که مشاهده می‌کنید، وجود مأموران پلیس بسیار در همه جا باشد. آیا شما، این طور نتیجه‌گیری نمی‌کنید که (۱) شما به یک مکان امن رسیده‌اید، یا (۲) شما در یک ناحیه‌ی پر

از جرم و جنایت مستقر شده‌اید؟ ممکن است دو استدلال زیر را بیان کنید: (۱) تمرکز بالای اعمال پلیس به عنوان یک بازدارنده‌ی قوی، فرصت وقوع جرم را از بین می‌برد و (۲) حضور پررنگ پلیس، دلیلی بر وجود فرصت بالای جرم و جنایت است (مانند نگهبانان امنیتی مستقر در داخل و خارج از بانک‌ها). بدون اطلاعات بیش‌تر، نمی‌توان اظهار داشت که کدام نتیجه‌گیری محتمل‌تر است (کین لو، ۲۰۰۸).

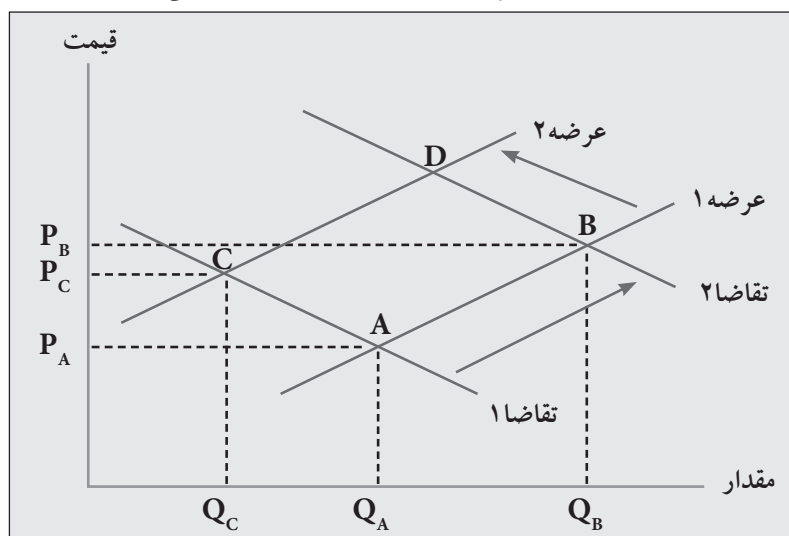
ابهام می‌تواند در شرایطی از اقتصاد در زمینه عرضه و تقاضا، توضیح داده شود. نمودار متعارف عرضه و تقاضا را در نظر بگیرید (بدون در نظر گرفتن موارد حدی از کشش صفر یا بی نهایت) (نمودار یک).

در شرایطی از جنایت و کنترل توسط پلیس، می‌توان کالا را به عنوان امنیت مردم، تعریف کرد (مثل نبود جرم و جنایت). فرض کنید A ، تعادل ابتدایی با قیمت و مقدار متناظر P_A و Q_A است. مشاهده‌ی کنترل بیشتر توسط پلیس، بیان‌گر ارزش بیش‌تر کنترل توسط پلیس است، اما نمی‌توان اظهار داشت که یک تعادل مثل B یا C (یا حتی D) به دست خواهد آمد. اگر تقاضای بیش‌تری برای

امنیت وجود داشته باشد (حرکت تقاضا) تعادل B ، نتیجه خواهد شد. اگر امنیت بیش‌تر مورد تقاضا قرار گیرد، چون عرضه جابه‌جا، تعادل C نتیجه می‌شود. البته، این که تقاضای بیش‌تر برای امنیت وجود داشته باشد یا این که امنیت بیش‌تر مورد تقاضا قرار گیرد، به روشنی مفاهیم متفاوتی دارند برای این که مقدار تعادل امنیت به Q_B افزایش یا به Q_C کاهش می‌یابد (کین لو، ۲۰۰۸).

در تفسیر این نمودار در رابطه با مدیریت سود، ما کالا را به عنوان کیفیت سود، تعریف می‌کنیم (عدم مدیریت سود). بال و شیواکومار (۲۰۰۸)، استدلال می‌کنند که توجه افزایش یافته در جریان عرضه‌های اولیه سهام، تقاضا برای کیفیت اطلاعات را به سمت راست حرکت می‌دهد. آن‌ها با ثابت نگه داشتن عرضه، پیش‌بینی می‌کنند که مقدار اطلاعات با کیفیت بالا، به تعادل B افزایش یابد. تنو و همکاران (۱۹۹۸) فرض می‌کنند که مزایای مدیریت سود (مانند اطلاعات با کیفیت پایین) در جریان عرضه‌ی اولیه‌ی سهام و به همان نسبت هزینه اطلاعات با کیفیت بالا، افزایش می‌یابد و با حرکت عرضه به سمت چپ در نقطه‌ی C به تعادل می‌رسد. زمانی که هم عرضه و

نمودار یک: عرضه و تقاضای یک کالای عمومی





سهام، درونی هستند؛ و برآوردهای جانبدارانه‌ی اقلام تعهدی اختیاری بعد از عرضه‌ی اولیه‌ی سهام، حاصل می‌شود؛ و آنها همچنین بیان می‌دارند که صورت‌های مالی قبل از عرضه اولیه سهام، محافظه‌کارانه هستند (بال و شیواکومار، ۲۰۰۸).

استفاده از دارایی‌های قبل از عرضه اولیه سهام، به عنوان کاهش دهنده قیمت

همان‌گونه که اگر مخرج کسر به صفر نزدیک شود، نسبت‌ها گیج‌کننده می‌شوند. محافظه‌کاری حسابداری، نیز از این مشکلات است به طوری که طبق این قاعده جمع دارایی‌ها می‌تواند کمتر از واقع بیان شود. از این رو، دارایی‌های قبل از عرضه اولیه سهام به عنوان کاهش دهنده قیمت می‌شود (کین لو، ۲۰۰۸).

توضیحات جایگزین

به طور کلی، بال و شیواکومار بیان می‌کنند که شاخص اقلام تعهدی اختیاری، مدیریت سود را نشان نمی‌دهد؛ از این رو این سؤال مطرح می‌شود که چرا همچنان در تحقیقات شاخص اقلام تعهدی برآورد می‌شود و چرا با استفاده از آن بازده‌های آتی پیش‌بینی می‌شود؟

این عقیده که مدل‌های اقلام تعهدی اختیاری، اشتباه اندازه‌گیری اساسی دارند، به خوبی شناخته شده است (دچو و همکاران^۳، ۱۹۹۵). به بیان دیگر، اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص‌های دارای اختلال برای فعالیت مدیریت سود، تایید شده‌اند اما یافته‌های این شاخص مدیریت سود به پیش‌بینی بازده‌های آتی، کمک می‌کند.

عوامل تصمیم‌گیری برای انتشار عرضه‌ی اولیه‌ی سهام، همچنین، اقلام تعهدی و برآوردهای جانبدارانه اقلام تعهدی اختیاری در سال عرضه اولیه سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

استدلال بال و شیواکومار (۲۰۰۸) این است که شرکت‌های در حال رشد با محدودیت‌های وجوه نقد روبه‌رو هستند، برای برطرف کردن محدودیت و افزایش وجوه، سهام صادر می‌کنند. عواید حاصل از عرضه اولیه سهام، احتمالاً برای افزایش دارایی‌های جاری غیرنقدی یا برای بازپرداخت بدهی‌های جاری مورد استفاده قرار خواهد گرفت، که در برآوردهای اقلام تعهدی اختیاری منعکس خواهد شد، که به اشتباه، به عنوان مدیریت سود تفسیر می‌شود. این نتیجه‌گیری حاکی از آن است که اقلام تعهدی ناشی از تصمیم عرضه‌ی اولیه‌ی

هم تقاضا تغییر کند، مشخص نیست و شاید در نقطه‌ی D به تعادل برسد.

حال این سؤالات زیر مطرح می‌شود که چرا برای عرضه اولیه سهام، توجهات قانونی وجود دارد؟ آیا امکان ندارد به دلیل واکنش دولتی به عرضه کاهش یافته کیفیت اطلاعات است؟ به طور کلی، حجم بالای کنترل پلیس می‌تواند نشان‌دهنده یکی از دو احتمال زیر باشد: موانع اضافی منجر به جرم کمتر می‌شود یا کنترل پلیس منعکس‌کننده‌ی نرخ جرم بالا است. در حالات فوق، این پذیرفتنی‌ترین حالت است که در جریان عرضه‌ی اولیه‌ی سهام، عرضه‌ی کیفیت اطلاعات به سمت چپ حرکت می‌کند، و پاسخ قانونی تقاضا را به سمت راست حرکت می‌دهد و در نقطه D به تعادل می‌رسند (کین لو، ۲۰۰۸).

چه توضیحات دیگری برای مدیریت سود وجود دارد؟

بال و شیواکومار (۲۰۰۸)، توضیحات زیر را بیان می‌کنند:

برآوردهای اقلام تعهدی اختیاری برای پذیرش، بسیار بزرگ هستند. بال و شیواکومار (۲۰۰۸) نشان دادند که برآوردهای اقلام تعهدی اختیاری به طور غیرمنطقی بزرگ هستند. هر چند،

financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 40, 3-73.

8- Healy, P.M., Wahlen, J.M., (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons* 13, 365-383.

9- Kin Lo, (2008). Earning management and Earnings quality. *Journal of Accounting & Economics* 45, 350-357

10- Libby & Seybert (2009), Behavioral studies of the effects of regulation on Earnings management and Accounting Choice available at : <http://ssrn.com>

11- Rock, K., (1986). Why new issues are underpriced. *Journal of Financial Economics* 15, 187-212.

12- Roychowdhury, S., (2006). Management of earnings through the manipulation of real activities that affect cash flow from operations. *Journal of Accounting and Economics* 42, 335-370.

13- Schipper, K., (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons* 3, 91-102.

14- Teoh, S.H., Welch, I., Wong, T.J., (1998). Earnings management and the subsequent market performance of initial public offerings. *Journal of Finance* 53, 1935-1974.

۴- دو تعریف جایگزین از کیفیت سود به ذهن می‌رسد. اول، قابلیت تحمل سود است و دوم، بدون تعصب بودن یا بی‌طرفی سودها و رویه‌های حسابداری و برآوردهای به کار برده شده برای ایجاد این سودها می‌باشد. تعریف آخر به‌طور متمایزی متفاوت از تعریف پذیرفته شده در تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۸) می‌باشد.

5- Cross-sectional

6- Cross-country

۷- احتمال اینکه شخصی مرتکب جرم شود و احتمال اینکه مرتکب جرم گرفته شود. این موضوع در بخش هفت بحث خواهد شد.

8- Teoh et al.

9- Healy and Wahlen

10- individual reputation concerns

11- tax savings

12- bonus compensation

13- Dechow et al.

منابع

- ۱- ابراهیمی کردلر، علی و الهام حسینی آذر (۱۳۸۵)، "بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳، ۴۵-۲۳
- ۲- شریعت پناهی، مجید و حسین سمایی (۱۳۸۳)، "هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک"، تدبیر، ۵۶-۱۴۶، ۵۲
- ۳- نوروش، ایرج، سحر سپاسی و محمد رضا نیکبخت (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۳، ۱۶۵-۱۷۷
- 4- Ball, R., Shivakumar, L., (2005). Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics* 39, 83-128.
- 5- Ball, R., Shivakumar, L., (2008). Earnings quality at initial public offerings. *Journal of Accounting and Economics*, submitted for publication.
- 6- Dechow, P.M., Sloan, R.G., Sweeney, A.P., (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review* 70, 193-225.
- 7- Graham, J.R., Harvey, C.R., Rajgopal, S., (2005). The economic implications of corporate

پی‌نویس

۱- در جمله فوق منظور عمدی است زیرا ضرر زدن می‌تواند عمدی و یا غیرعمدی باشد. برای مثال، مدیران به نیت آشکار برای زیان به سرمایه‌گذاران نیاز ندارند ولی، اگر آنها سود را با عقیده‌ی درست مدیریت کنند، سرمایه‌گذاران می‌توانند ضرر ببینند درست مانند قتل (با هر نیتی) که هیچ‌چنان گرفتن زندگی فرد را شامل می‌شود.

۲- از این منظر، اصطلاح مدیریت سود یک حسن تعبیر دانشگاهی است. در واقع، اگر مدیریت کردن یک بخش تجاری باشد که به طور عادی انجام می‌شود آیا مدیریت سود، فعالیتی که این گونه توضیح می‌شود مشروع نیست؟

۳- در تحقیقات مربوط به جرم اصطلاح قانونی «غیبت در هنگام وقوع جرم» به ایده توضیحات جایگزین نزدیکترین است. غیبت در هنگام وقوع جرم «ادعای بودن در جایی دیگر در زمانی که هر عمل منتسب شده اتفاق افتاده است» می‌باشد. (فرهنگ انگلیسی آکسفورد) در زمینه تحقیق حسابداری این اصطلاح به طور دقیق قابل کاربرد نمی‌باشد.